

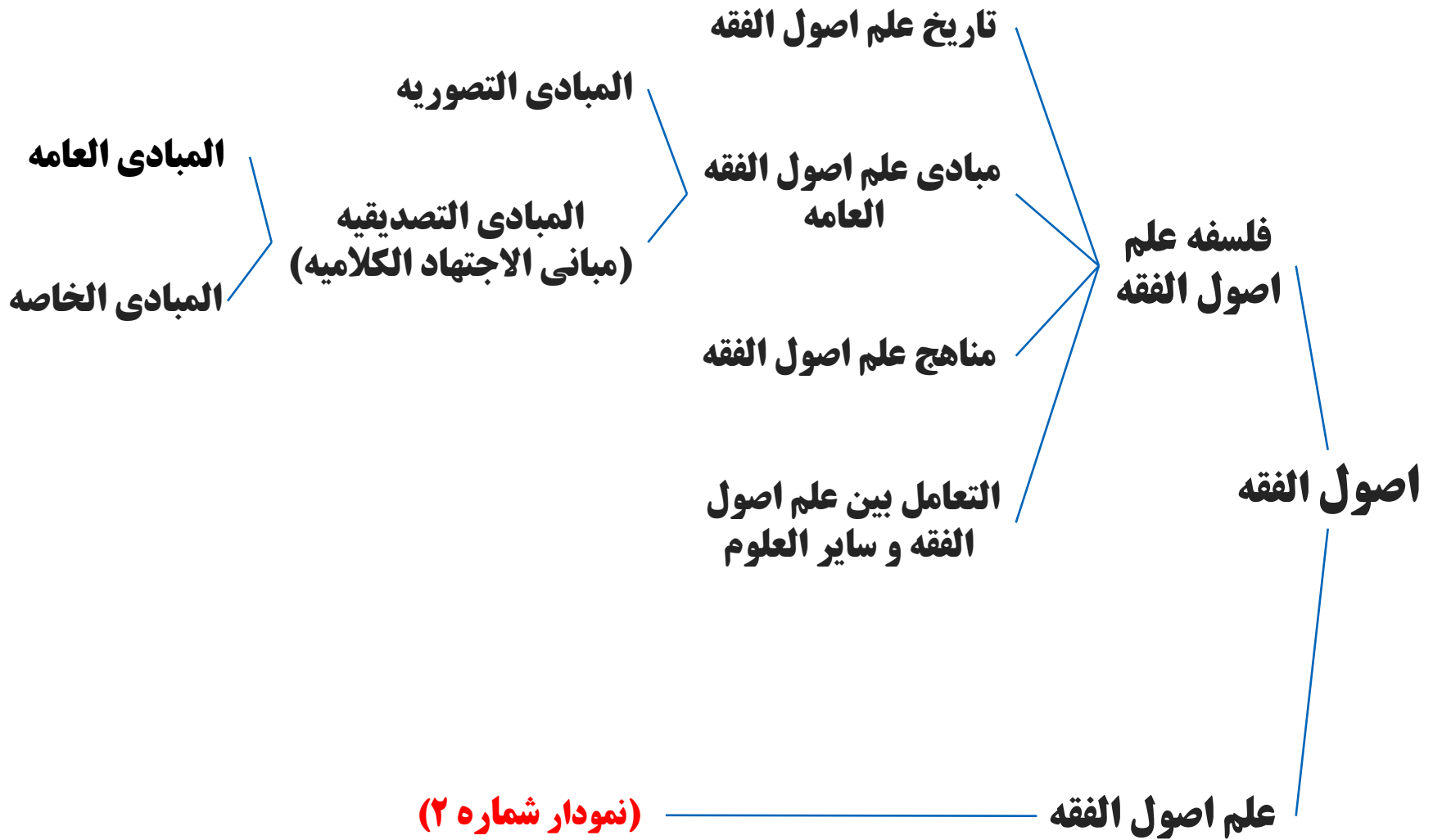
علم أصول الفقه

۵

۳-۷-۹۰ مبادئ مشترک تصدیقی

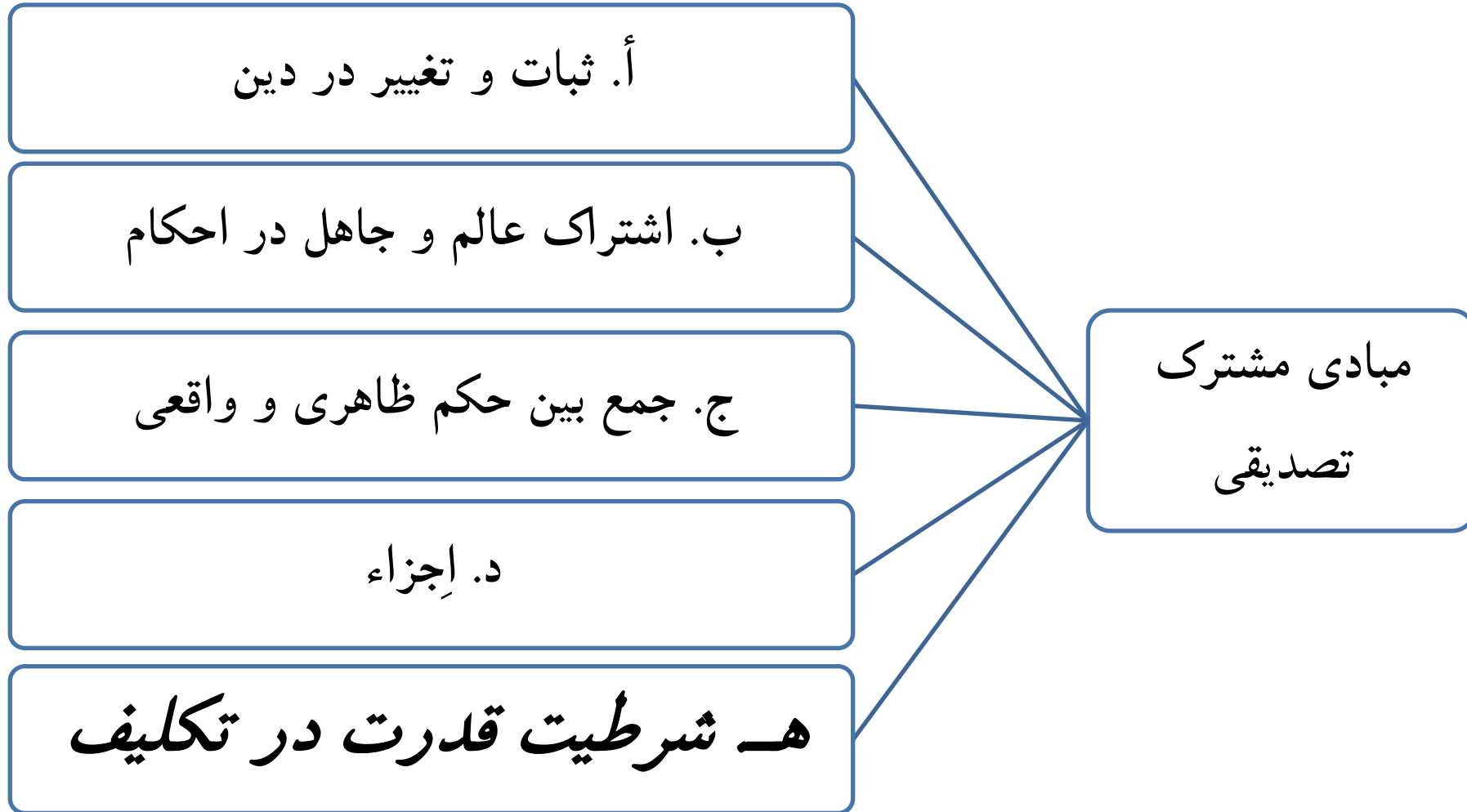
دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)



(نمودار شماره ۲)

علم أصول الفقه



هـ شرطیت قدرت در تکلیف

- یکی دیگر از مبادی مشترک تصدیقی، مسأله‌ی استحاله‌ی تکلیف به غیر مقدور یا بحث شرطیت قدرت در تکلیف است.
- سئوالی که در ابتدا مطرح می‌شود این است که:
- آیا قدرت در تمام مراحل تکلیف شرط است، یا در برخی مراحل تکلیف شرط است و در برخی دیگر شرط نیست و یا در هیچ یک از مراحل تکلیف شرط نمی‌باشد؟

مبادی تصویری

فصل اول: تعریف علم اصول

فصل دوم: موضوع علم اصول

فصل سوم: نسبت بین علم اصول و سایر علوم

فصل چهارم: اعتباریات

فصل پنجم: حکم

فصل ششم: امثال

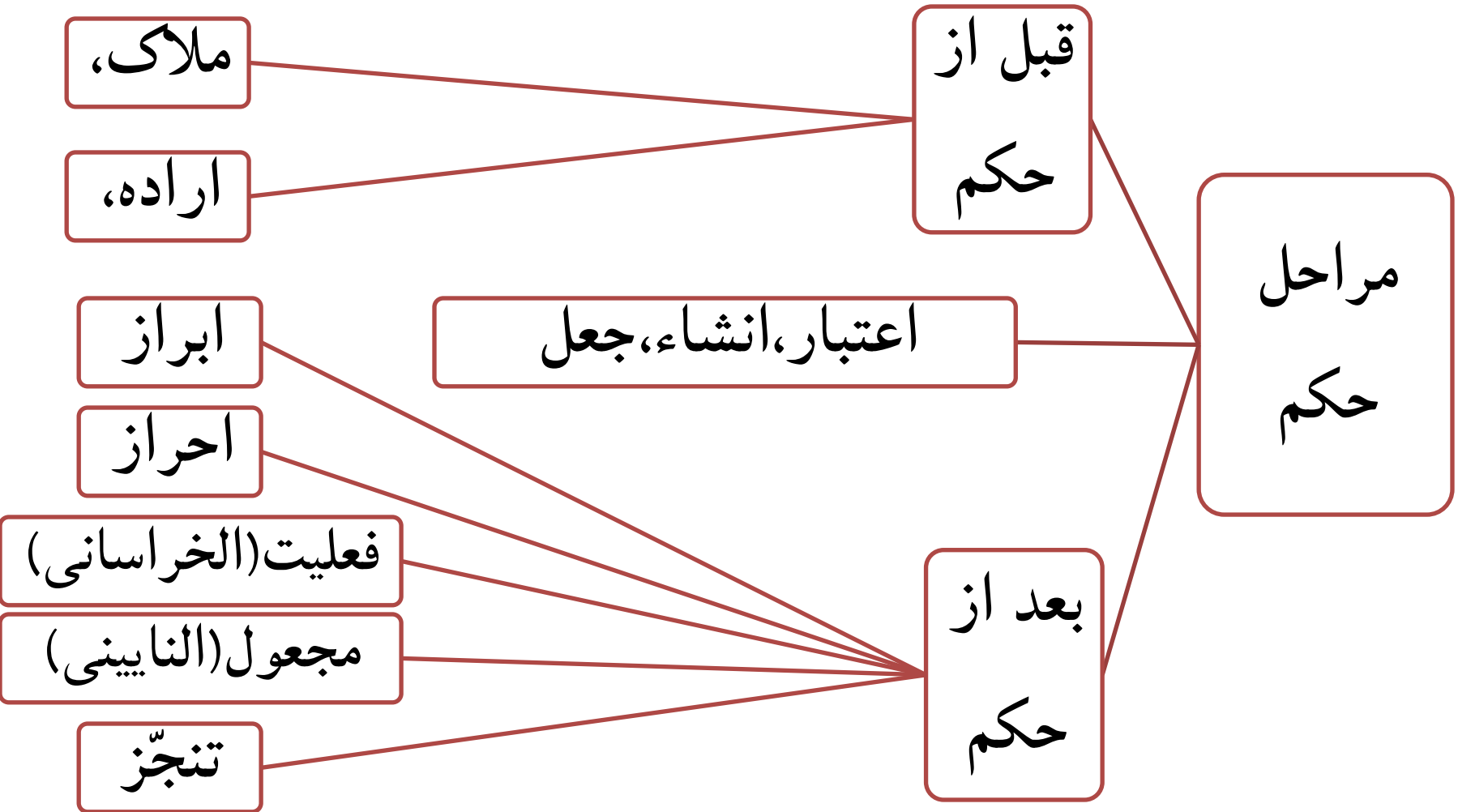
فصل هفتم: موضوع و متعلق حکم

فصل هشتم: نسخ

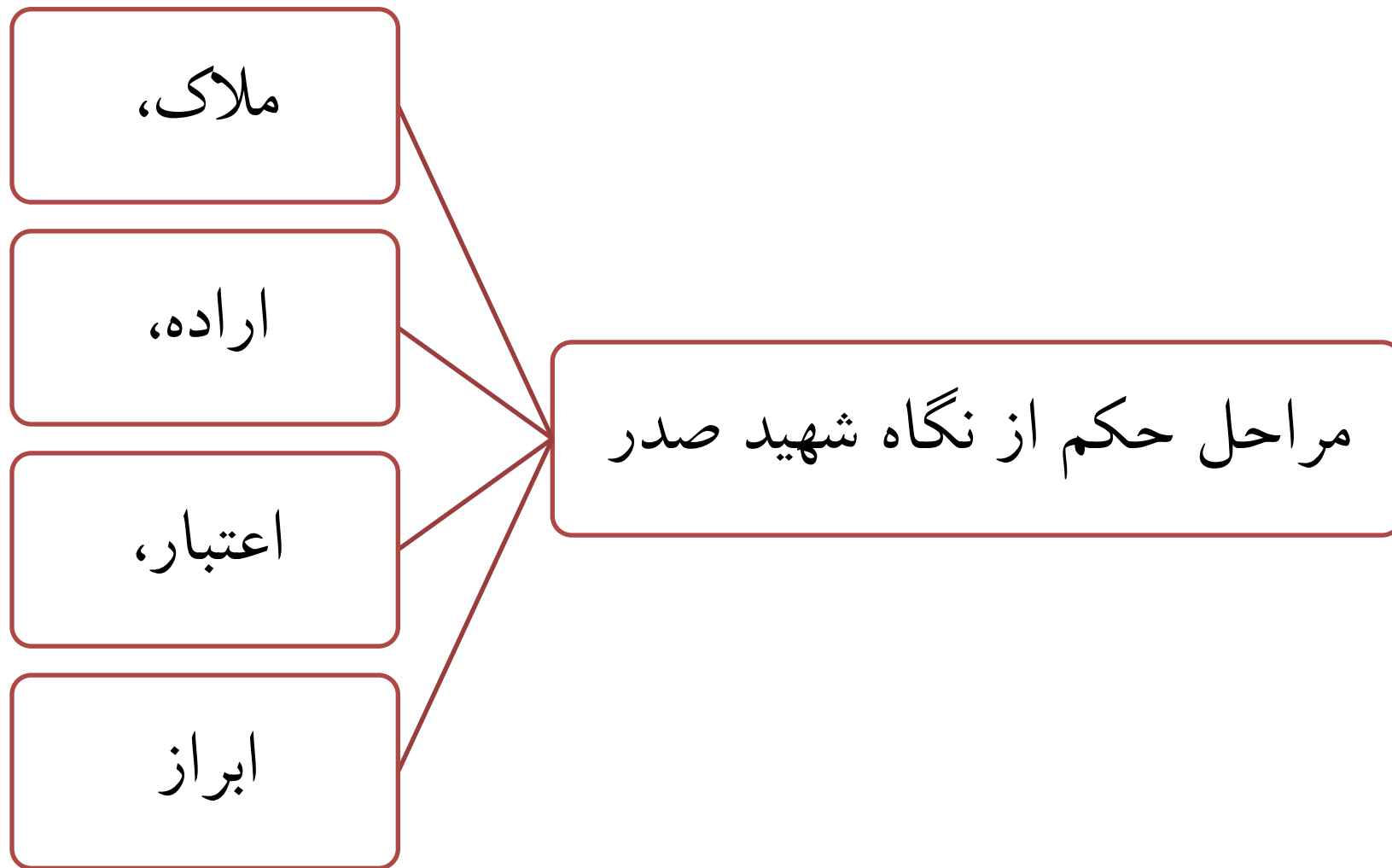
فصل نهم: حجت

فصل دهم: استنباط

مراحل حکم



مراحل حکم



هـ. شرطیت قدرت در تکلیف

- قبلاً گفتیم تکلیف چهار مرحله دارد:
- ۱. ملاک ۲. اراده ۳. جعل ۴. تنجیز.
-

هـ. شرطیت قدرت در تکلیف

- مراد از ملاک همان مصالح و مفسد واقعی است
- و مراد از اراده، اراده‌ی است که در نفس مولی بر اساس آن مصالح یا مفسد، برای تحصیل آن مصالح یا اجتناب از آن مفسد پیدا می‌شود.
- مراد از جعل اعتباری است که مولی بر اساس اراده انجام می‌دهد و بر اساس مصلحتی، عملی را واجب و بر اساس مفسده‌ای، عملی را حرام می‌کند.
- و بالاخره آنجا که عبد بر انجام تکلیف، ثواب و بر ترک آن، عقاب می‌شود، بحث از مرحله‌ی تنجیز است. عبد در این مرحله در قبال تکلیف مسئولیت می‌یابد.

هـ شرطیت قدرت در تکلیف

- قدرت در کدامیک از این مراحل شرط است؟
- برای جواب این سؤال به تک تک مراحل نگاه می‌کنیم و بحث شرطیت قدرت را در آنها بررسی می‌نماییم.

هـ شرطیت قدرت در مرحله ملاک

- ملاک نسبت به قدرت می تواند مشروط باشد و می تواند مشروط نباشد.
- یعنی ممکن است ملاک یک عمل به گونه ای باشد که فقط در هنگام قدرت عبد بر عمل، وجود داشته باشد و در آن هنگام که عبد قدرت ندارد، ملاک منتفی گردد و ممکن است ملاک به گونه ای باشد که چه عبد قدرت بر عمل داشته باشد، چه نداشته باشد، آن مصلحت یا مفسده در عمل محقق باشد و ربطی به قدرت عبد بر انجام عمل یا اجتناب از آن نداشته باشد.

هـ شرطیت قدرت در مرحله ملاک

- بنابراین ثبوتاً ملاک نسبت به قدرت دو احتمال دارد:
- ۱. ممکن است شرط باشد
- ۲. ممکن است شرط نباشد.

هـ شرطیت قدرت در مرحله اراده

- شهید صدر معتقد است قدرت در مورد مرحله‌ی اراده همانند مرحله‌ی ملاک است. ممکن است اراده ربطی به قدرت عبد نداشته باشد و مولی تحصیل مصلحت یا اجتناب از مفسده را چه عبد قادر باشد چه نباشد، خواهان باشد و ممکن است اراده‌ی مولی مشروط به قدرت باشد و در صورت توانایی عبد بر تحصیل مصلحت یا اجتناب از مفسده، اراده‌ی مولی بر تحصیل یا اجتناب محقق باشد و در غیر این صورت خیر.

هـ شرطیت قدرت در مرحله اراده

- در تفسیری که شهید صدر از اراده ارایه می‌دهد، اراده به معنای شوق مؤکد یا اشتیاق شدید است. از این رو در نظر او ممکن است مولی به نحو مطلق اشتیاق شدیدی نسبت به تکلیف داشته باشد، چه عبد قادر باشد چه نباشد.

هـ شرطیت قدرت در مرحله اراده

- همانند پدری که دوست دارد بچه‌اش کاری را انجام دهد، چه او توانایی انجام کار را داشته باشد چه نداشته باشد. آن قدر در نظر این پدر این کار اهمیت دارد که استعداد و توانایی فرزند را در نظر نمی‌گیرد. و ممکن است این اشتیاق شدید مشروط به قدرت عبد باشد یعنی فقط در صورتی اراده تعلق بگیرد که عبد قادر بر انجام کار است.

هـ. شرطیت قدرت در مرحله اراده

- نکته‌ای که اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که اراده غیر از حب است. درست است که فیلسوفان، اراده را به شوق مؤکد تفسیر کرده‌اند؛ ولی اراده غیر از حب و غیر دوست داشتن است.
- اراده در عمل ارادی انسان، آن موقعی تحقق می‌یابد که فعل از فاعل صادر می‌شود؛ یعنی اراده مستلزم صدور فعل است.
- یا به تعبیر فلاسفه اراده شوق مؤکدی است که محرک عضلات است نه صرف شوق مؤکد.